

سوالات امتحان هماهنگ درس : املا پایه نهم دوره متوسطه اول	سنجش و ارزشیابی تحصیلی ناحیه یک اردبیل	تاریخ آزمون : ۱۴۰۰/۳/۱۰
نوبت امتحانی : خرداد سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰	تعداد کل صفحات سوال : ۱ صفحه	ساعت شروع : ۱۱ (قبل از ظهر)
نام و نام خانوادگی :	شماره کارت :	مدت امتحان :

«متن املائی تقریری»

و مثل تو چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد؛ جز غذای خویش و یاران خویش، چیزی نمی‌بیند و از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر ملک وی، هیچ خبر ندارد. (ص ۱۹)

دوستان واقعی، راه نیک‌بختی را به ما نشان می‌دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورند، عیب‌ها را هم به ما می‌نمایانند. (ص ۲۴)

چون بهار فرامی‌رسید، معلمم دستم را می‌گرفت و به سوی مزارع می‌برد و روی علف‌های گرم، درس خود را درباره طبیعت، آغاز می‌کرد. من می‌آموختم که چگونه پرندگان از مواهب طبیعت برخوردار می‌شوند. (ص ۳۷)

داعیه‌ای در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم، راضی نتوانستم بود. دارایی‌ام بفروختم و اسب خریدم و از وطن خویش رحلت کردم. (ص ۵۳)

از گوشه صومعه آواز درآمد که: «ای مرد! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده‌است. ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد؛ دزد را کی زهره آن بود که گرد چادر او گردد؟ تو خود را مرعجان ای طرآرا! که اگر یک دوست خفته‌است، دوست دیگر بیدار است.» (ص ۸۴)

ابتدا می‌کنم ای مفضل، به یاد کردن خلقت انسان، پس عبرت بگیر از آن. تفکر کن ای مفضل، در همه اعضای بدن و تدبیر آنها که هریک برای هدفی و حاجتی آفریده شده‌اند. (ص ۱۰۴)

خداوند! به من زیستنی عطا کن که در لحظه مرگ، بر بی‌ثمری لحظه‌ای که برای زیستن گذشته‌است، حسرت نخورم و مردنی عطا کن که بر بیهودگی‌اش سوگوار نباشم. (۱۳۸)

با آرزوی توفیق برای تمامی همکاران گرانقدر و دانش‌آموزان عزیز!